



عبد الباری؛ عارض؛

## سبوتاژ تاکتیکی بن دوم!

به دقت متوجه باید شد که چگونه استراتژیهای محرمانه و استخباراتی استعماری، ملت افغان را برای ده سال دیگر هدف قرار میدهد. تا اهداف نامعلوم و تسلط دایمی بر منابع اقتصادی منطقه و شهرهای تجاری آسیا را بدست آورند. این درست است که هر کشور جهان امروزی منافع ملی خویش را باید ارجحیت دهند ولی آیا دور از انصاف و انسانیت نیست که خوشبختی خویش را در کشتن دیگران جستجو نمایند.

افغانان در نتیجه قربانیها بی شماری خویش در غربت و مظلومیت خود بر علاوه آنکه استقلال و حاکمیت خود را احیا نمود، ایالات متحده را ابرقدرت، یکه تاز جهان ساخت، دیوار برلین را فروریخت و پاکستان را صاحب اتم ساخت. عوض آنکه جهان قیمت قربانیهای آنانرا پردازد. اکنون تلاشهای جدیدی بکار انداخته شده تا مقدمات یک جنگ ده ساله دیگری در افغانستان فراهم گردد. و اتهام انرا متوجه المان سازند. زیرا آنان درک کردند که در دوام جنگ در خاک افغان منافع بیشتری را در منطقه بدست آورده میتوانند.

شما شاهد آن هستید که چگونه سناریو تنظیم شده برای سبوتاژ کنفرانس دوم بن براه انداخته شده است. و چگونه مسئولیت کمبودهای بن اول بدوش المان انداخته شد.

پاکستان و امریکایها مشترکا از یک سال به اینطرف به بگو مگو فریبنده پرداخته اند . اما انتخاب چنین مقطع زمانی برای تظاهر به اوج تنش ها ، در تمثیل حمله امریکا بر یک پسته سرحدی پاکستان ، درهنگامیکه ازیک طرف کنفرانس بن ، درحال تشکیل شدن است ، و از جانبی هم امریکا تقاضای پایگا های نظامی دراز مدت را در افغانستان مطرح نموده است. یک پیام خاصی به کشور المان و اتحادیه اروپا را نیز با خود دارد.

امریکا از قبل اتحادیه اروپا را در لست رقیبان اقتصادی خویش شامل نموده است. ازینکه المان کشوری است که در راس این اتحادیه قرار گرفته و درین اواخر بعد از جنگ دوم جهانی پا به تحولات سیاسی و نظامی جهان گذاشته است . چنانچه حضور نظامی شان در (کوساوو) و افغانستان شاهد این مدعا است . اما حس برتری جویانه امریکا نخواهند گذاشت المان هم صاحب امتیازات در جهان گردد. لذا بعید به نظر میرسد که اجازه داده شود المان مبتکر صلح درافغانستان شود ویا اندیشه دست درازی به منابع اقتصادی و شاهراهای تجارتی این منطقه را در سر بپروراند.

قابل درک است ، اینکه درین اواخر علاقه مندی امریکا جهت احیای راه تجارتی مشهور ( ابریشم ) کدام مفهوم را در بر دارد. و حتی شما شنیده اید که امریکا میخواهد ملیونها دالر را درین راستا سرمایه گذاری کند. تا این شاهرگ تجارتی آسیا را در کنترل گیرد. اما در ظاهر امر کمکی است که به افغانها میکند بخاطریکه عاشق دوچشم افغان است. و هیچ روا داری را از ان دریغ نمیکند.

نقاط نظر وزرای دفاع و خارجه المان در استانه کنفرانس بن دوم که میگوید مخالفین دولت افغانستان باید درکنفرانس سهم گیرند . و توضیح میدهد که صلح اصولا با دشمنان صورت میگیرد ورنه با دوستان سوال صلح مطرح نه می شود . درحقیقت موقف المان را نشان میدهد که خواستار یقینی صلح درین منطقه ای از جهان است اما درجریان هفته جاری موضعگیری زمامداران افغانی دربرابر ان قابل مکث است . اینکه میگویند درین کنفرانس قرار نیست طالبان و سایر مخالفین اشتراک نمایند و حتی سپنتا به لجاجت بیشتر میگوید صلح با طالبان ممکن نیست ، میرساند که موضعگیریهای المان و امریکا چقدر باهم تفاوت دارد . واین خود ثبوت اختلاف دربین متحدین در ارتباط به صلح در افغانستان است .

و نیز همینکه این وزیرای المان میگویند معلوم شود کی صلح میخواهد وکی نمیخواهند مفاهیم مهمی را افاده میکند. با آنکه المان از قبل نشراتی مبنی بر اینکه حلقاتی در افغانستان وجود دارد که صلح را به مثابه مرگ خود تلقی نموده بقای خویش و اندوختن ثروت را در دوام جنگ میبیند، را مرور نموده است. اما اکنون مطلبش انست که این چهره ها و حامیان پشت پرده انانرا برملا سازد. اگر بتواند؟ بدین معنی که حمله اخر امریکا بر پسته های پاکستان و فوراً عکس العمل پاکستان مشتمل بر عدم اشتراک در کنفرانس بن دوم بر شکوک المان بر کارکردهای امریکا هم افزوده است.

شما شاهد خواهید بود که بعد از کنفرانس بن دوم با معذرت خواستن امریکا دوباره مناسبات دو طرف از سر احیا، و راه اکمالاتی امریکا از طریق پاکستان دوباره گشوده خواهد شد.

و عدم اشتراک پاکستان در بن دوم بیش از یک افتضاح روشن چیزی دیگری نخواهد بود.

من قبلاً در نشرات اشاره کرده ام لازم است تکرار نمایم که در مقطع زمانی کنونی صلح در افغانستان به نفع امریکا نیست. زیرا این موضوع عوامل ضرورت پایگاههای استراتژیکی نظامی انان را منتفی می سازد. که در انصورت اهداف مهم ان همچو تسلط بر منابع اقتصادی در آسیای میانه و کنترل تاسیسات نظامی و میدانهای هوایی کشورهای منطقه را به مشکل مواجه خواهد ساخت.

بناً به وضاحت اقبیتاس میگردد که حمله بی دلیل اخر امریکا در سرحد با لای عساکر پاکستان و برپا نمودن ظاهری هیاهوی درپاکستان و افغانستان در استانه کنفرانس بن تصادفی نیست بلکه پلان طرح شده قبلی برای سبوتاژ بن دوم است. و این حرکت در سازماندهی با پاکستان به وقوع پیوسته است. هدف هم ان بود تا پاکستان مقاطعه با بن دوم را موجه و عکس العمل طبعی خود در برابر به اصطلاح تجاوز به حریم کشورش وانمود نماید. و به این ترتیب برنامه های کنفرانس را نقش براب نمایند. و این حقیقت هم روشن است که بدون اشتراک پاکستان در بن دوم، کنفرانس به شکست مواجه میگردد. زیرا طرف اصلی قضیه پاکستان است.

اگر واقعا امریکا میخواست پاکستان را زیر فشار قرار دهد میتواند کمک دومیارد دالری سالانه را متوقف نماید. میتواند اب دریای کمر را کنترل نماید که هم در جهت تقویت اقتصاد

افغانستان موثر می بود وهم انقدر ضربه شدید بود که از بین بردن یکی دو پسته در برابر ان به حساب هیچ به شمار می رفت. میتوانست خواسته افغانستان را مبنی بر غیر قانونی بودن خط دیورند در ملل متحد به بحث بگذارند . اینست فشارهای واقعی که هر کدام ان پاکستان را به لبه پرتگاه سقوط مواجه میساخت .

لهذا این سناریوی تنظیم شده امریکا و پاکستان متاسفانه خلاف انتظار انان به رسوایی کشانده شد . ولی قوت چیزی است که پروای رسوایی و عدم رسوایی را هم ندارد. منتها ملتها درک خواهند کرد که توطئه ها علیه افغانها مظلوم و ملت های منطقه را کی و به همدستی کدام حلقات سازماندهی مینماید . که این مطلب در دراز مدت ساحه روحیه دشمنی با امریکا را وسیعتر خواهد ساخت که بی تاثیر هم نیست.